

بررسی ویژگی‌های ادبی و اجتماعی شعر لاتی در دوره معاصر

سعید بیات شهبازی^۱، محسن ایزدیاری^۲، علی اسکندری^۳، فاطمه قهرمانی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

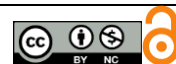
۴. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: m-izadyar@iau-arak.ac.ir

چکیده

شعر لاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ادبیات عامه، بازتاب‌دهنده زندگی روزمره، دغدغه‌های اجتماعی و اعتراضات اقشار فرودست جامعه ایران در دوره معاصر (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷) است. این سبک شعری با استفاده از زبان عامیانه، طنز، کنایه و ساختاری ساده، توانسته است به‌عنوان ابزاری هنری برای بیان مشکلات اجتماعی و فرهنگی عمل کند. این پژوهش به تحلیل جامع ویژگی‌های ادبی و اجتماعی این نوع شعر پرداخته و تأثیر آن را در بازنمایی تحولات جامعه بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد شعر لاتی علاوه بر ارزش ادبی، نقشی مهم در تبیین شرایط اجتماعی ایران ایفا کرده است. با استفاده از روش تحلیل کیفی، عناصر زبانی، بلاغی و محتوای اجتماعی این اشعار بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که زبان محاوره‌ای، طنز و کنایه، ساختار ساده و موسیقایی، و استفاده از اصطلاحات عامیانه، مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی شعر لاتی هستند. از سوی دیگر، این اشعار نقش مهمی در بازتاب مسائل اجتماعی، از جمله فقر، نابرابری و اعتراضات مردمی داشته‌اند. این پژوهش با ارائه تحلیلی جامع از شعر لاتی، به شناخت بهتر از جایگاه این سبک شعری در ادبیات معاصر ایران کمک می‌کند و زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در حوزه ادبیات عامه و جامعه‌شناسی ادبیات است.

کلیدواژگان: شعر لاتی، ادبیات عامه، زبان عامیانه، تحلیل اجتماعی، ادبیات معاصر.



شیوه استناددهی: بیات شهبازی، سعید، ایزدیاری، محسن، اسکندری، علی، قهرمانی، فاطمه. (۱۴۰۳). بررسی ویژگی‌های ادبی و اجتماعی شعر لاتی در دوره معاصر. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۳)، ۱۷۴-۱۶۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

The Treasury of Persian Language and Literature

Analysis of the Literary and Social Characteristics of Latī Poetry in the Contemporary Period

Saeid Bayat Shahbazi¹, Mohsen Izadyar^{2*}, Ali Eskandari³, Fatemeh Ghahremani⁴

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

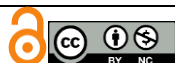
4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

*Corresponding Author's Email: m-izadyar@iau-arak.ac.ir

Abstract

Latī poetry, as one of the most significant manifestations of folk literature, reflects the daily lives, social concerns, and protests of the marginalized classes in Iranian society during the contemporary period (1921–1979). This poetic style, through the use of colloquial language, humor, irony, and a simple structure, has functioned as an artistic medium for expressing social and cultural problems. The present study offers a comprehensive analysis of the literary and social characteristics of this genre and examines its impact on representing societal transformations. The findings indicate that Latī poetry, in addition to its literary value, has played a crucial role in elucidating the social conditions of Iran. Using qualitative analysis, the study explores the linguistic, rhetorical, and social content elements of these poems. Results show that conversational language, humor and irony, simple and rhythmic structure, and the use of slang and colloquial expressions are the most prominent literary features of Latī poetry. On the other hand, these poems have significantly reflected social issues such as poverty, inequality, and public dissent. This research, by providing a comprehensive analysis of Latī poetry, contributes to a better understanding of the status of this poetic form in contemporary Iranian literature and lays the groundwork for further studies in the fields of folk literature and the sociology of literature.

Keywords: *Latī poetry, folk literature, colloquial language, social analysis, contemporary literature.*



How to cite: Bayat Shahbazi, S., Izadyar, M., Eskandari, A., Ghahremani, F. (2024). Analysis of the Literary and Social Characteristics of Latī Poetry in the Contemporary Period. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(3), 160-174.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024-08-05

Revise Date: 2024-09-24

Accept Date: 2024-10-12

Publish Date: 2024-12-19

مقدمه

ادبیات عامه، بازتاب‌دهنده زندگی مردم و روایتگر دغدغه‌ها، باورها و ارزش‌های روزمره جامعه است. این نوع ادبیات به دلیل استفاده از زبان ساده و قابل فهم و پرداختن به مسائل واقعی زندگی مردم، همواره جایگاه مهمی در فرهنگ ایران داشته است. برخلاف ادبیات رسمی که بیشتر در خدمت نخبگان و طبقات اشرافی بوده، ادبیات عامه، با محوریت مردم عادی، روایتی صادقانه‌تر از زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارائه می‌دهد. در ایران، ادبیات عامه در قالب‌هایی مانند داستان، افسانه، ترانه، نمایش‌های آئینی و شعر ظاهر شده است (۱). در تاریخ ایران، ادبیات عامه به‌ویژه در دوره‌های بحران و تغییرات اجتماعی، نقشی کلیدی در انعکاس شرایط اجتماعی ایفا کرده است (۲). از دوران صفویه تا قاجار و سپس پهلوی، این ادبیات به‌طور مداوم توسعه یافته و با تغییرات اجتماعی و فرهنگی همگام شده است. یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های ادبیات عامه ایران، شعر لاتی یا کوچه‌بازاری است که در دوره معاصر، به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، به اوج شکوفایی خود رسید.

شعر لاتی در ادبیات عامه ایران، نماینده‌ای از فرهنگ مردمی و ابزاری برای بازتاب زندگی طبقات فرودست جامعه است. این نوع شعر، با استفاده از زبان محاوره‌ای و اصطلاحات عامیانه، به بازنمایی دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی مردم می‌پردازد. برخلاف شعرهای رسمی که معمولاً به مسائل انتزاعی یا موضوعات اشرافی می‌پردازند، شعر لاتی مسائل ملموس و واقعی مانند فقر، بی‌عدالتی، نابرابری اجتماعی و تغییرات زندگی شهری را مطرح می‌کند (۳). اهمیت ادبیات عامه در مطالعه تحولات اجتماعی و فرهنگی غیرقابل انکار است. ادبیات عامه نه تنها فرهنگ و باورهای مردمی را به نمایش می‌گذارد، بلکه می‌تواند ابزار مهمی برای تحلیل شرایط اجتماعی و سیاسی باشد. در ایران، این نوع ادبیات در دوره پهلوی نقش مهمی در بیان اعتراضات اجتماعی ایفا کرد و شعر

لاتی به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی آن، به یکی از برجسته‌ترین ابزارهای نقد اجتماعی تبدیل شد.

شعر لاتی، یکی از مهم‌ترین گونه‌های شعری ادبیات عامه، برخاسته از بطن زندگی مردم عادی و فرهنگ کوچه و بازار است. این نوع شعر که عمدتاً در میان اقشار فرودست جامعه رایج بود، با زبانی ساده، مستقیم و صریح، احساسات، مشکلات و دغدغه‌های زندگی روزمره مردم را منعکس می‌کرد. شعر لاتی از اصطلاحات عامیانه و زبان محاوره‌ای استفاده می‌کند که باعث می‌شود مخاطبان به راحتی با آن ارتباط برقرار کنند. این زبان، که گاه طنزآمیز و کنایه‌آلود است، به‌عنوان ابزاری برای بیان نارضایتی‌ها و انتقادات اجتماعی به کار می‌رود. علاوه بر این، شعر لاتی اغلب به موضوعاتی چون فقر، نابرابری، فساد، عشق، دوستی و مسائل انسانی می‌پردازد و همین موضوعات باعث شده است که این نوع شعر جایگاه ویژه‌ای در میان مردم عادی پیدا کند.

تاریخچه شکل‌گیری شعر لاتی را می‌توان در بستر تحولات اجتماعی و اقتصادی دوران صفویه و قاجار جستجو کرد، اما این سبک شعری در دوره پهلوی به اوج خود رسید. رشد شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها و افزایش شکاف طبقاتی، زمینه‌ای فراهم کرد تا شعر لاتی به‌عنوان صدای مردم محروم، نقشی برجسته‌تر ایفا کند. شاعران این دوره، با استفاده از زبان کوچه و بازار، توانستند به‌خوبی زندگی مردم عادی را به تصویر بکشند و با بیانی ساده اما مؤثر، مسائل اجتماعی و سیاسی روز را نقد کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم شعر لاتی، ارتباط آن با موسیقی عامیانه است. بسیاری از اشعار لاتی با ملودی‌های محلی و آهنگ‌های کوچه‌بازاری اجرا می‌شدند که باعث محبوبیت بیشتر این اشعار در میان مردم شد. این پیوند میان شعر و موسیقی، نه تنها به جذابیت این سبک شعری افزود، بلکه آن را به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ عامه تبدیل کرد.

دوره پهلوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷) یکی از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران است که با تغییرات عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه بود. تلاش برای مدرنیزاسیون، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، و گسترش شهرنشینی از ویژگی‌های اصلی این دوره بودند. با این حال، این تغییرات اغلب بدون توجه به نیازها و خواسته‌های طبقات فرودست جامعه اجرا شدند و همین امر منجر به افزایش ناراضی‌های اجتماعی شد. در چنین فضایی، شعر لاتی به‌عنوان یکی از ابزارهای بیان اعتراضات اجتماعی ظهور کرد. این نوع شعر، با زبانی ساده و بی‌پرده، به مسائل روزمره مردم پرداخته و به بازتاب نابرابری‌ها، فقر و مشکلات اجتماعی می‌پرداخت. شاعران لاتی، که اغلب خود از میان مردم عادی بودند، توانستند احساسات و نگرانی‌های جامعه را به‌خوبی در اشعارشان منعکس کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر لاتی در این دوره، استفاده از طنز و کنایه برای نقد شرایط اجتماعی و سیاسی بود. این نوع بیان، علاوه بر جذابیت هنری، به شاعران امکان می‌داد تا انتقادات خود را به شکلی غیرمستقیم اما تأثیرگذار بیان کنند. همچنین، زبان محاوره‌ای و استفاده از اصطلاحات محلی باعث می‌شد این اشعار به‌سرعت در میان مردم گسترش یابد و به یکی از ابزارهای مهم ارتباطی تبدیل شود. علاوه بر این، گسترش رسانه‌های جمعی در دوره پهلوی، نقش مهمی در ترویج و گسترش شعر لاتی داشت. با ظهور روزنامه‌ها، مجلات و سایر رسانه‌ها، اشعار لاتی توانستند به‌سرعت در میان اقشار مختلف جامعه منتشر شوند و تأثیر بیشتری بر فرهنگ عمومی بگذارند. این تأثیر نه تنها محدود به ایران بود، بلکه باعث شد شعر لاتی به‌عنوان بخشی از فرهنگ معاصر ایران در میان دیگر فرهنگ‌ها نیز شناخته شود.

با وجود اهمیت شعر لاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ادبیات عامه ایران، این سبک شعری تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بیشتر تحقیقات موجود در حوزه ادبیات فارسی، به تحلیل آثار کلاسیک و رسمی پرداخته‌اند و

ادبیات عامه، به‌ویژه شعر لاتی، اغلب در حاشیه قرار گرفته است. این در حالی است که شعر لاتی، به دلیل نزدیکی آن به زندگی روزمره مردم و بازتاب مسائل اجتماعی، یکی از منابع غنی برای مطالعه تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران است. این پژوهش با هدف تحلیل جامع ویژگی‌های ادبی و اجتماعی شعر لاتی در دوره معاصر (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷) انجام شده است. سوالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. چه ویژگی‌هایی شعر لاتی را از دیگر سبک‌های شعری متمایز می‌کند؟

۲. چگونه شعر لاتی بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی و سیاسی دوره پهلوی است؟

۳. چه عواملی باعث محبوبیت و گسترش این سبک شعری در میان مردم شد؟

این تحقیق، با ارائه تحلیلی جامع از شعر لاتی، نه تنها به شناخت بهتر از جایگاه این سبک شعری در ادبیات معاصر ایران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راه را برای پژوهش‌های بیشتر در حوزه ادبیات عامه و جامعه‌شناسی ادبیات هموار سازد.

پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه تحقیق، راهنمای مهمی برای شناسایی جایگاه پژوهش، درک دستاوردهای قبلی و تحلیل خلأهای موجود است. بررسی تحقیقات مرتبط با شعر لاتی و ادبیات عامه در ایران نشان می‌دهد که این حوزه، با وجود اهمیت زیاد، تاکنون توجه کافی دریافت نکرده است. بیشتر مطالعات بر ادبیات کلاسیک، سبک‌های رسمی و آثار شاعران برجسته متمرکز بوده و ادبیات غیررسمی، مانند شعر لاتی، عمدتاً نادیده گرفته شده است. شعر لاتی، به‌عنوان یکی از پویاترین جلوه‌های ادبیات عامه، نمایانگر صدای مردم عادی و انعکاس‌دهنده فرهنگ کوچه و بازار است. از این رو، مطالعه دقیق پیشینه تحقیقات مرتبط می‌تواند به درک بهتر ویژگی‌های زبانی، محتوایی و اجتماعی این سبک شعری کمک

کند و ضرورت پژوهش در این حوزه را مشخص تر سازد. ادبیات عامه، همواره به عنوان یک منبع مهم برای تحلیل های جامعه شناسی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. محققان متعددی به بررسی نقش ادبیات عامه در بازتاب فرهنگ و ارزش های مردمی پرداخته اند و نشان داده اند که این ادبیات، نه تنها ابزار سرگرمی و روایتگری است، بلکه به عنوان یکی از پایه های هویت فرهنگی عمل می کند. مرادی (۱۴۰۲) در مطالعه ای به بررسی سیر تحول قالب های شعری عامه پسند مانند چهارپاره پرداخته و نشان داده است که این قالب ها چگونه به عنوان واسطه ای میان شعر سنتی و مدرن عمل کرده اند. این پژوهش نشان می دهد که ساده نویسی و استفاده از زبان محاوره ای، یکی از مهم ترین ویژگی های ادبیات عامه است که ارتباط نزدیک تری با مردم برقرار می کند (۴). از سوی دیگر، طالعی و رضیعی (۱۳۹۷) با بررسی سبک های شعری دوران قاجار و پهلوی، بر اهمیت مضامین اجتماعی و عرفانی در ادبیات عامه تأکید کرده است. وی بیان می کند که ادبیات عامه، برخلاف ادبیات رسمی، به مسائل ملموس و روزمره مردم می پردازد و این ویژگی، آن را به یکی از مهم ترین ابزارهای انتقال فرهنگ تبدیل کرده است (۲). همچنین، حیدری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی گسترده به تحلیل مقالات مرتبط با ادبیات عامه پرداخته و نشان داده است که این حوزه، با وجود جایگاه کلیدی اش، همچنان نیازمند پژوهش های عمیق تر است. این تحقیق، به طور خاص بر ضرورت مطالعه اشکال غیررسمی ادبیات، مانند شعر لاتی، تأکید دارد و آن را یکی از ابزارهای بازتاب مسائل اجتماعی می داند (۵). از این رو شعر لاتی به دلیل ماهیت غیررسمی و زبان عامیانه اش، در بسیاری از پژوهش های علمی مورد بی توجهی قرار گرفته است. با این حال، برخی از محققان به طور غیرمستقیم به ویژگی های این سبک شعری پرداخته اند. بصورتی که سمیعی گیلانی (۱۳۸۶) در مطالعه ای گسترده بر سبک شناسی شعر فارسی، تأکید کرده است که نوآوری در زبان و

ساختار شعری، یکی از ویژگی های اصلی ادبیات عامه است. این تحقیق نشان می دهد که استفاده از زبان محاوره ای و اصطلاحات عامیانه، چگونه می تواند باعث جذابیت بیشتر اشعار شود. اگرچه این پژوهش مستقیماً به شعر لاتی نپرداخته، اما نتایج آن می تواند به تحلیل بهتر این سبک شعری کمک کند (۶). از سوی دیگر، دهانی (۱۳۹۹) به بررسی نقش ایهام و کنایه در اشعار حافظ پرداخته و نشان داده است که این عناصر چگونه به ابزارهای هنری برای بیان اعتراضات و انتقادات اجتماعی تبدیل می شوند. شعر لاتی نیز با استفاده گسترده از طنز و کنایه، به عنوان یکی از ابزارهای بیان نارضایتی های اجتماعی شناخته می شود و این شباهت ها اهمیت تحلیل این عناصر در شعر لاتی را برجسته می کند (۷). تحقیق دیگری که به طور غیرمستقیم به شعر لاتی مرتبط است، پژوهش یوسفی (۱۳۹۸) درباره سبک شناسی شخصی شاعران است. این تحقیق نشان می دهد که شاعران با انتخاب زبان و فرم خاص، می توانند به بیان هویت اجتماعی و فرهنگی خود بپردازند. در شعر لاتی، استفاده از زبان کوچه و بازار و تصاویر ملموس، نه تنها بیانگر هویت فرهنگی جامعه است، بلکه بازتاب دهنده وضعیت اجتماعی و اقتصادی دوران پهلوی نیز هست. یکی از جنبه های مهم شعر لاتی، بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی در آن است. این ویژگی، شعر لاتی را به یکی از ابزارهای قدرتمند برای نقد اجتماعی تبدیل کرده است. با این حال، تحقیقات انجام شده در این زمینه، اغلب به تحلیل های کلی از ادبیات عامه محدود بوده و کمتر به ویژگی های خاص شعر لاتی پرداخته اند (۸). مرتضایی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی درباره سبک شناسی شناختی، تأکید کرده است که ادبیات عامه اغلب بیشترین تأثیر را در بازتاب فرهنگ و ارزش های مردمی دارد. وی نشان داده است که بررسی اشکال غیررسمی ادبیات، مانند شعر لاتی، می تواند به درک عمیق تری از جامعه و تحولات آن کمک کند. این تحقیق بر اهمیت تحلیل سبک های شعری که به زندگی روزمره مردم می پردازند،

تأکید دارد (9). علاوه بر این، زمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیرات اجتماعی شعر در دوران مشروطه پرداخته و نشان داده است که چگونه شاعران با استفاده از زبان ساده و محاوره‌ای، توانستند به ابزاری برای آگاهی‌بخشی و بیداری اجتماعی تبدیل شوند. شعر لاتی نیز در دوره پهلوی، نقش مشابهی ایفا کرده و توانسته است صدای اعتراض مردم فرودست جامعه باشد (10).

خلاهای پژوهشی موجود

بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که با وجود اهمیت شعر لاتی، پژوهش‌های کمی به‌طور جامع به این سبک شعری پرداخته‌اند. برخی از مهم‌ترین خلاهای پژوهشی عبارت‌اند از:

۱. عدم تحلیل دقیق ویژگی‌های زبانی و سبک‌شناسی شعر لاتی.

۲. کمبود پژوهش‌های مرتبط با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این سبک شعری.

۳. نبود مطالعات تطبیقی که شعر لاتی را با دیگر سبک‌های شعری مقایسه کند.

۴. کمبود مستندات تاریخی دقیق درباره شاعران لاتی و نحوه شکل‌گیری این سبک شعری.

از این رو با توجه به خلاهای موجود و اهمیت شعر لاتی در بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی، ضرورت پژوهش در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود. این پژوهش، با تحلیل جامع ویژگی‌های ادبی و اجتماعی شعر لاتی در دوره معاصر (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷)، تلاش می‌کند تا به درک عمیق‌تری از جایگاه این سبک شعری در ادبیات فارسی دست یابد و راه را برای پژوهش‌های آینده هموار سازد.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی است و با هدف تحلیل ویژگی‌های ادبی و اجتماعی شعر لاتی در دوره معاصر (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷) طراحی شده است. روش کیفی به دلیل ماهیت تحلیلی و تفسیرگرایانه آن،

امکان بررسی عمیق محتوای شعری و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط را فراهم می‌آورد. در این تحقیق، از رویکرد تحلیل محتوا برای بررسی ویژگی‌های زبانی و سبک‌شناسی اشعار و از تحلیل گفتمان برای مطالعه نحوه بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی در این سبک شعری استفاده شده است. اطلاعات این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. منابع مورد استفاده شامل مجموعه اشعار شاعران لاتی، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با ادبیات عامه و تاریخ اجتماعی دوره پهلوی، و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل سبک‌های شعری است. همچنین، برای بررسی دقیق‌تر، نمونه‌هایی از اشعار لاتی که از لحاظ زبانی، محتوایی و مضامین اجتماعی غنی بودند، انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند. معیار انتخاب این نمونه‌ها شامل تنوع در زبان، مضامین شعری و ارتباط آن‌ها با مسائل اجتماعی بوده است. برای تحلیل داده‌ها، از ابزارهای متعددی استفاده شده است. در مرحله اول، ویژگی‌های زبانی و ادبی اشعار شامل استفاده از زبان محاوره‌ای، طنز و کنایه، و ساختار موسیقایی بررسی شدند. سپس در مرحله دوم، محتوای اجتماعی اشعار، از جمله بازتاب مسائل طبقاتی، فقر و نابرابری‌ها تحلیل شد. در نهایت، تحلیل تطبیقی انجام گرفت تا شعر لاتی با دیگر سبک‌های شعری معاصر مقایسه شود و تأثیرات متقابل آن با موسیقی عامه‌پسند بررسی گردد.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های زبانی، ادبی و اجتماعی شعر لاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سبک‌های ادبیات عامه ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شعر لاتی، با استفاده از زبانی ساده و محاوره‌ای، مضامین اجتماعی، انسانی و فرهنگی را به‌صورتی صریح و بی‌پرده بیان می‌کند. این بخش، با تحلیل دقیق‌تر ویژگی‌های زبان، محتوا، طنز و مضامین اجتماعی، به ارائه تصویری جامع از شعر لاتی می‌پردازد.

عارف قزوینی، یکی از شاعران برجسته دوران مشروطه و پس از آن، با آنکه بیشتر به شعر رسمی و ملی‌گرایانه شناخته می‌شود، در برخی از اشعار خود از زبان عامیانه و محاوره‌ای برای بازتاب زندگی مردم و اعتراض به شرایط اجتماعی استفاده کرده است. در یکی از اشعار او که بازتاب‌دهنده مشکلات اجتماعی دوران خود است، می‌توان نمونه‌ای از این زبان را یافت:

"گفتم صنما، کیست که این خانه خراب است؟

گفتا که فلک، از پی ویرانی ماست.

گفتم که چرا اهل خرد خفته چنین‌اند؟

گفتا که به خوابند و ره خواب رواست."

تحلیل:

۱. بازتاب زبان عامیانه: هرچند این شعر ساختاری رسمی

دارد، اما زبان ساده و اصطلاحاتی مانند "خانه خراب"

و "ره خواب رواست" نشان‌دهنده تأثیر زبان عامیانه بر

بیان شاعر است. این واژگان و عبارات در میان مردم

رواج داشته و معنایی عمیق و کاربردی در ادبیات

شفاهی دارند.

۲. نقد اجتماعی: عارف در این شعر با زبانی نزدیک به

مردم، مشکلات اجتماعی و بی‌تفاوتی به نابسامانی‌های

روزگار را به چالش می‌کشد. این رویکرد، بازتاب‌دهنده

یکی از کارکردهای شعر لاتی است که در زبان کوچه و

بازار رایج بوده است.

۳. کارکرد فرهنگی: این شعر، نمونه‌ای از پیوند میان

ادبیات رسمی و عامه است که با استفاده از اصطلاحات

محلی، تلاش دارد مفاهیم اجتماعی و انتقادی را در قالبی

قابل فهم برای عموم بیان کند.

علی‌اکبر صابر تهرانی یکی از شاعران مردمی و نزدیک به سبک

لاتی بود که اشعارش در محافل عمومی و بین مردم کوچه و بازار

تهران شهرت داشت. او از زبان عامیانه و اصطلاحات محلی برای

بیان دغدغه‌های مردم استفاده می‌کرد. یکی از اشعار او که به مشکلات زندگی شهری و معیشت مردم اشاره دارد، نمونه‌ای برجسته از این سبک است:

"ما که هیشکیو نداریم، خدا رو داریم

هرچی هم که می‌کشیم از شما رو داریم

قیمت نون می‌ره بالا، ما چیکار کنیم؟

سفره‌هامون خالیه، اما دعا رو داریم."

تحلیل:

۱. بازتاب زبان عامیانه: اصطلاحاتی نظیر "هیشکیو

نداریم"، "خدا رو داریم" و "سفره‌هامون خالیه" به‌طور

مستقیم از زبان محاوره‌ای مردم کوچه و بازار الهام گرفته

شده‌اند. این زبان ساده و ملموس باعث می‌شود که

مخاطبان با شعر ارتباط عمیق‌تری برقرار کنند.

۲. نقد اجتماعی: شاعر در این شعر به مشکلات معیشتی

و اقتصادی مردم، مانند گرانی و کمبود مواد غذایی، اشاره

می‌کند. این اشعار نقش رسانه‌ای مردمی را ایفا می‌کردند

که به بیان اعتراضات و خواسته‌های عمومی

می‌پرداختند.

۳. پیوند با فرهنگ عامه: این شعر به باورهای مردم نیز

اشاره دارد؛ اینکه حتی در سخت‌ترین شرایط، توکل به

خدا و دعا، بخشی از فرهنگ و امیدواری عمومی بوده

است. استفاده از این عناصر باعث می‌شود شعر لاتی نه

تنها نقد اجتماعی باشد، بلکه حس همبستگی و مقاومت

را نیز تقویت کند.

اشعار شاطرعباس صبوحی (شاعر دوره قاجار و اوایل پهلوی)

یکی دیگر از نمونه‌های برجسته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد،

اشعار شاطرعباس صبوحی است. او، که به‌عنوان یک شاعر عامیانه

در تهران شناخته می‌شد، اشعاری سروده که بازتاب‌دهنده زبان

عامیانه و اصطلاحات رایج در کوچه و بازار آن دوره بود. یکی از

اشعار او که به مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد، چنین است:

"کاسبی شده تنگ، مشتری نیست دیگه

دخل خالیه، خرجی واسه خری نیست دیگه

هرکی میاد یه وعده بده و بره

حرف راست تو این دوره زمونی نیست دیگه".

تحلیل:

۱. استفاده از زبان عامیانه: واژگانی مانند "کاسبی شده

تنگ"، "دخل خالیه" و "حرف راست نیست دیگه"،

به‌وضوح از زبان محاوره‌ای مردم کوچه و بازار گرفته

شده‌اند. این اصطلاحات، بازتاب‌دهنده شکایت‌های

عمومی از وضعیت اقتصادی و اخلاقی آن دوران هستند.

۲. نقد اجتماعی: شاعر در این شعر به وضعیت اقتصادی

دشوار و بحران‌های اخلاقی و اجتماعی اشاره می‌کند.

مشکلاتی مانند نبود صداقت و رکود در بازار، از

دغدغه‌های رایج مردم در آن زمان بوده که با زبانی ساده

و آشنا بیان شده است.

۳. پیوند با فرهنگ عامه: شاطرعباس، با استفاده از زبان

رایج در کوچه و بازار، توانسته اشعاری خلق کند که

حس و حال واقعی زندگی مردم آن دوره را منعکس

کند. این ویژگی، اشعار او را به بخشی از فرهنگ شفاهی

تبدیل کرده که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

مثال تاریخی دیگر: شعرهای عامیانه در محافل عمومی

در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، محافل عمومی مانند قهوه‌خانه‌ها و

مراسم‌های محلی، بسترهای مهمی برای خواندن و شنیدن اشعار

لاتی بودند. اشعار بسیاری در این دوره با استفاده از زبان عامیانه و

اصطلاحات محلی به مسائل روزمره پرداخته‌اند. یکی از اشعار

معروف قهوه‌خانه‌ای آن دوره که به نقد وضعیت اجتماعی

می‌پردازد:

"این شهر پر از کلک و حقه‌بازی شده

هرکی اومد به فکر بازی شده

ما که ساده‌ایم، ته خط نشستیم

اونا که دو روئن، همه رو بردن".

تحلیل:

۱. اصطلاحات محلی و زبان روزمره: عبارات "کلک و

حقه‌بازی" و "ته خط نشستیم" بازتاب‌دهنده زبان

روزمره مردم است که به اشعار رنگ و بویی صمیمی

می‌بخشد.

۲. نقد فرهنگی و اجتماعی: در این شعر، انتقاد از

رفتارهای ناپسند اجتماعی مانند دورویی و حقه‌بازی

برجسته شده است. این نوع مضامین، به‌طور مستقیم با

تجربه‌های مخاطبان ارتباط برقرار می‌کند.

شاطر عباس صبحی

یکی از برجسته‌ترین شاعران مردمی که اشعار او را می‌توان به

عنوان نماینده‌ای از سبک لاتی و عامیانه معرفی کرد، شاطر عباس

صبحی است. او در دوره قاجار و اوایل پهلوی زندگی می‌کرد و

اشعارش به دلیل استفاده از زبان عامیانه و پرداختن به مسائل

روزمره مردم، در میان عموم مردم بسیار محبوب بود. شاطر عباس

به عنوان یک نانوا (شاطر) فعالیت می‌کرد، اما توانست از طریق

اشعار خود به صدای مردم کوچه و بازار تبدیل شود.

ویژگی‌های شعری شاطر عباس:

۱. استفاده از زبان عامیانه: شاطر عباس در اشعار خود از

واژگان و اصطلاحات روزمره استفاده می‌کرد. زبان او به

قدری نزدیک به زندگی مردم بود که مخاطبان به‌راحتی

می‌توانستند خود را در کلمات او بیابند.

۲. نقد اجتماعی: او با طنزی ظریف و کنایه‌های مستقیم،

مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمان خود را به

تصویر می‌کشید. از گرانی نان گرفته تا بی‌عدالتی‌های

اجتماعی، موضوعاتی بودند که شاطر عباس به شکلی هوشمندانه در اشعار خود مطرح می‌کرد.

۳. **آهنگین بودن:** اشعار شاطر عباس غالباً وزن و قافیه ساده و روانی داشتند که به راحتی در حافظه مخاطبان باقی می‌ماندند و در محافل عمومی خوانده می‌شدند.

"تو تهران که رفتی، به حال و هواست

نوش گرون، خرجش تا خداست

هرکی نداره، می‌سوزه آروم

هرکی داره، می‌خنده باهاش"

این شعر نمونه‌ای از انتقاد شاطر عباس به وضعیت اقتصادی آن زمان است. او با زبان عامیانه و مستقیم، شکاف طبقاتی و مشکلات معیشتی را بیان می‌کند. شاعرانی مانند شاطر عباس، به واسطه اشعار عامیانه و مردمی خود، تأثیری ماندگار بر ادبیات و فرهنگ عامه ایران گذاشته‌اند. اشعار او نه تنها به نقد اجتماعی می‌پرداختند، بلکه به رسانه‌ای برای بازتاب واقعیت‌های زندگی مردم کوچه و بازار تبدیل شدند.

علی اکبر صابر تهرانی، یکی دیگر از شاعران مردمی دوره پهلوی اول است که اشعارش بازتاب‌دهنده دغدغه‌های مردم عادی و فرهنگ کوچه و بازار بود. او با زبان ساده و استفاده از اصطلاحات محلی، اشعاری سرود که نه تنها مشکلات اجتماعی و اقتصادی زمانه را به تصویر می‌کشید، بلکه با طنز و کنایه‌های ظریف، به نقد وضعیت‌های ناعادلانه می‌پرداخت.

ویژگی‌های شعری علی اکبر صابر:

۱. **انتقاد از بی‌عدالتی و فساد:** اشعار صابر تهرانی اغلب به مسائل اجتماعی نظیر فقر، گرانی، و فساد اداری پرداخته و با زبانی صمیمی و کنایه‌آمیز، این مشکلات را بازگو می‌کرد.

۲. **طنز اجتماعی:** او با استفاده از طنز، جنبه‌های تلخ زندگی

روزمره را با لحنی نرم‌تر بیان می‌کرد. این طنز، اشعار او

را برای مخاطبان جذاب و ماندگار کرده است.

۳. **پیوند با فرهنگ عامه:** صابر تهرانی، همانند شاطر

عباس، از ضرب‌المثل‌ها و باورهای عامیانه در اشعار

خود بهره می‌برد و از این طریق، ارتباط عمیقی با

مخاطبان برقرار می‌کرد.

"گرونی اوامده، همه پکر شدن

نون شاطر شده زینتی دکون

سفره‌ها خالی، دلا بی‌قرار

به کی بگیم ما، این همه غم فراوون"

این شعر، تصویری از شرایط اقتصادی آن دوره ارائه می‌دهد که بسیاری از مردم با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. شاعر، با استفاده از اصطلاحات ساده و ملموس، حس همدلی و همدردی با مردم را در شعر خود ایجاد کرده است.

جمشید خرازی از شاعران دوره پهلوی دوم بود که اشعارش به‌ویژه در محافل قهوه‌خانه‌ای خوانده می‌شد. او اشعاری در قالب دوبیتی و رباعی می‌سرود و به زبان محاوره و اصطلاحات محلی توجه خاصی داشت. خرازی با پرداختن به موضوعاتی نظیر عشق، دوستی، فقر و نقد شرایط اجتماعی، توانست مخاطبان زیادی در میان اقشار مختلف جامعه پیدا کند.

ویژگی‌های شعری جمشید خرازی:

۱. **قالب‌های کوتاه:** اشعار او اغلب در قالب دوبیتی و

رباعی بودند که به دلیل موجز بودن، به راحتی در ذهن

مخاطبان جای می‌گرفتند.

۲. **طنز تلخ:** خرازی، از طنزی تلخ و انتقادی برای بیان

دغدغه‌های مردم استفاده می‌کرد. اشعار او اغلب به

وضعیت دشوار زندگی طبقات فرودست می‌پرداخت.

۳. زبان زنده و روان: زبان خرازی بسیار نزدیک به گفتار

روزمهر مردم بود، به گونه‌ای که هر شنونده‌ای می‌توانست

خود را در اشعار او بیابد.

"ای روزگار، تو با ما چه کردی؟"

دل به وعده‌های پوچ بستی

همسایه با طلا پز می‌ده

ما ته کوچه، داریم نسیه می‌خریم."

این شعر، با زبانی عامیانه و آشنا، به نقد نابرابری اقتصادی و

حسرت‌های اجتماعی مردم در دوران پهلوی دوم می‌پردازد. شاعر

با استفاده از تضاد بین "همسایه" و "ما"، احساس شکاف طبقاتی

را به خوبی به تصویر کشیده است.

یکی از نمونه‌های شاخص شعر لاتی در بازه ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ که به

مسائل اجتماعی مانند فقر، نابرابری و مشکلات زندگی شهری

پرداخته، شعری از محافل قهوه‌خانه‌ای و نقل شده در منابعی چون

کتاب کوچه اثر احمد شاملو است. این نوع اشعار که اغلب از دل

فرهنگ عامه و مشکلات مردم برمی‌خیزند، با زبانی ساده و مستقیم

به دغدغه‌های اجتماعی می‌پردازند.

"تو این شهر، فقیر چه بی‌کس شده

سفره‌ها خالی، دل مردم پره

گرونی اومده، نون از دهن دوره

ارباب می‌خنده، رعیت می‌ناله"

۱. پرداختن به فقر: شعر به صراحت به وضعیت معیشتی

دشوار و فقر گسترده در شهرها اشاره می‌کند. عباراتی

مانند "سفره‌ها خالی" و "نون از دهن دوره" تصویر

ملموسی از زندگی مردم محروم ارائه می‌دهند و نشان

می‌دهند که چگونه نابرابری اقتصادی بر زندگی آنان

سایه افکنده است.

۲. نقد نابرابری: در این شعر، تقابل میان "ارباب" و

"رعیت" به وضوح شکاف طبقاتی را نشان می‌دهد. شاعر

با انتخاب زبانی صریح، تضاد میان کسانی که از وضعیت

اقتصادی منتفع هستند و کسانی که در حال رنج

کشیدن‌اند، را به تصویر می‌کشد.

۳. بازتاب زندگی شهری: موضوع گرانی و فشارهای

اقتصادی، یکی از معضلات اصلی زندگی شهری در

دوره پهلوی اول و دوم بود. شعر با اشاره به مشکلاتی

مانند گرانی و دور شدن مواد غذایی از دسترس عموم،

زندگی روزمره مردم شهرنشین را روایت می‌کند.

این نمونه شعر نشان می‌دهد که چگونه شعر لاتی به عنوان یک

سبک مردمی، مشکلات اجتماعی را با زبانی ساده و تأثیرگذار بیان

می‌کند. این اشعار، با بهره‌گیری از زبان مردم و روایت زندگی

روزمهر، توانسته‌اند به رسانه‌ای مؤثر برای اعتراض به نابرابری‌ها و

بازتاب وضعیت اقتصادی و اجتماعی تبدیل شوند.

نمونه دیگر از اشعار لاتی درباره مسائل اجتماعی:

در ادامه می‌توان به اشعار دیگری از دوره پهلوی اول و دوم اشاره

کرد که به نقد مسائل اجتماعی نظیر فقر، نابرابری و زندگی شهری

پرداخته‌اند. این اشعار، عموماً در محافل عمومی مانند قهوه‌خانه‌ها،

بازارها و مناسبت‌های جمعی خوانده می‌شدند و به دلیل زبان ساده

و مفاهیم قابل فهم خود، تأثیرگذاری بالایی داشتند.

"نون شب نداریم، چراغمون خاموشه

شانس ما رعیتا همیشه مغشوشه

هرکی دستش پره، تو کاخا می‌گرده

هرکی خالیه، روی خاک می‌چرخه."

۱. فقر و معیشت: در این شعر، فقر و محرومیت به عنوان

محور اصلی مطرح شده است. عباراتی مانند "نون شب

نداریم" و "چراغمون خاموشه" به شکلی مستقیم به

محرومیت‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم اشاره

دارند. این مفاهیم، شرایط دشوار زندگی قشر فرودست

را به تصویر می‌کشند.

۲. نقد نابرابری اقتصادی :شاعر با به‌کارگیری تقابل میان

"کاخ" و "خاک"، شکاف طبقاتی را به‌وضوح نشان داده است. این تصویرسازی نمادین، تضاد میان زندگی اشراف و فرادستان با زندگی فقیرانه و سخت فرودستان را بیان می‌کند.

۳. پیوند با زندگی شهری :این شعر، تصویری از زندگی

شهری را ارائه می‌دهد که در آن محرومیت اقتصادی و فاصله طبقاتی به‌طور روزمره در جریان است. مشکلاتی نظیر نبود امکانات اولیه مانند نان و روشنایی، نمادی از وضعیت کلی جامعه است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر به تحلیل ویژگی‌های ادبی و اجتماعی شعر لاتی به‌عنوان بخشی از ادبیات عامه ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شعر لاتی با استفاده از زبان محاوره‌ای، طنز، کنایه و مضامین ملموس اجتماعی، بازتاب‌دهنده زندگی روزمره و دغدغه‌های اقشار فرودست جامعه است. این سبک شعری، با زبان ساده اما پر قدرت، موفق شده است پیام‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی را به مخاطبان منتقل کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر لاتی، استفاده از اصطلاحات عامیانه و تصاویر ملموس است که باعث نزدیکی مخاطب به اشعار شده است. این سبک شعری، نه تنها انعکاسی از مشکلات اقتصادی، فقر و نابرابری‌های اجتماعی است، بلکه به مسائل انسانی مانند عشق، روابط خانوادگی و ارزش‌های اخلاقی نیز پرداخته است. علاوه بر این، ارتباط نزدیک شعر لاتی با موسیقی عامه‌پسند، به ماندگاری و گسترش این سبک شعری در فرهنگ عامه کمک کرده است. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که شاعران لاتی با بهره‌گیری از طنز و کنایه، توانسته‌اند نقدهای اجتماعی و سیاسی خود را به‌گونه‌ای بیان کنند که ضمن جذابیت ادبی، به آگاهی‌بخشی و تقویت همدلی میان مردم منجر شود. بازتاب مسائل اجتماعی مانند فساد، تبعیض

طبقاتی، و مهاجرت در این اشعار، به‌عنوان اسنادی فرهنگی برای مطالعه تاریخ اجتماعی ایران عمل می‌کند.

پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده

۱. گسترش تحلیل‌های زبانی و سبک‌شناختی شعر لاتی

پژوهشگران آینده می‌توانند با استفاده از ابزارهای پیشرفته زبان‌شناسی و سبک‌شناسی، به تحلیل دقیق‌تر ویژگی‌های زبانی شعر لاتی بپردازند. بررسی عمیق‌تر واژگان، ساختارهای زبانی، نقش موسیقایی اشعار، می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از جایگاه این سبک شعری در ادبیات فارسی کمک کند.

۲. مطالعه تطبیقی میان شعر لاتی و دیگر سبک‌های شعری

پیشنهاد می‌شود که شعر لاتی با دیگر سبک‌های شعری معاصر مانند شعر نو و حتی سبک‌های غیرایرانی مقایسه شود. این مطالعات تطبیقی می‌تواند نشان دهد که شعر لاتی چگونه به‌عنوان یک سبک مردمی با دیگر جریان‌های ادبی تعامل داشته است.

۳. تحلیل جامعه‌شناختی گسترده‌تر

پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از رویکردهای جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی، تأثیرات شعر لاتی را بر رفتار، باورها و فرهنگ مردم بررسی کنند. مطالعه نقش این سبک شعری در تقویت همبستگی اجتماعی و بازتاب دغدغه‌های جمعی نیز می‌تواند موضوعی جذاب باشد.

۴. گردآوری و مستندسازی اشعار لاتی

یکی از چالش‌های این پژوهش، دسترسی محدود به نسخه‌های مکتوب اشعار لاتی بود. پیشنهاد می‌شود که پروژه‌ای برای گردآوری و مستندسازی این اشعار از منابع شفاهی و مکتوب طراحی شود تا پژوهشگران آینده به مجموعه‌ای جامع‌تر دسترسی داشته باشند.

۵. بررسی ارتباط شعر لاتی با موسیقی عامه‌پسند

از آنجا که بسیاری از اشعار لاتی با موسیقی همراه بوده‌اند، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده، تعامل میان شعر و موسیقی را به‌طور

در ادبیات معاصر ایران ایفا کرده است. با این حال، نیاز به پژوهش‌های گسترده‌تر و جامع‌تر در این زمینه احساس می‌شود تا نقش و اهمیت این سبک شعری به‌طور کامل آشکار شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Latī poetry, a vibrant and underexplored genre of Iranian folk literature, emerged as a compelling artistic response to the sociocultural transformations experienced by the marginalized segments of society between 1921 and 1979. This poetic form, rooted in everyday vernacular and saturated with colloquial expressions, developed as a medium through which the daily struggles, values, and dissenting voices of the lower classes found representation and resonance. Distinct from classical poetry, which predominantly mirrored the ideologies and aesthetic values of the elite, Latī poetry drew its strength from realism and cultural immediacy, embracing humor, irony, and satire to tackle themes such as poverty, injustice, and urban hardship (2). As folk literature in Iran has historically served as both a mirror and motor of social change, Latī poetry surfaced prominently during periods of upheaval, offering both critique and catharsis. The everydayness of its language—infused with idiomatic Persian, slangs, and rhythmic simplicity—helped bridge the gap between

دقیق‌تر بررسی کنند. این موضوع می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از تأثیرات متقابل هنرهای مختلف بر یکدیگر منجر شود.

در نهایت شعر لاتنی، با ویژگی‌های زبانی منحصربه‌فرد و مضامین اجتماعی و انسانی، یکی از مهم‌ترین سبک‌های شعری در ادبیات عامه ایران است. این پژوهش نشان داده است که این سبک شعری، نه تنها بازتاب‌دهنده فرهنگ و زندگی روزمره مردم عادی است، بلکه به‌عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی و سیاسی، نقشی کلیدی poet and populace, transforming poetry from a courtly pursuit into an accessible, mobilizing force. Indeed, this genre stands as a testament to the dynamism of Iranian oral traditions and the enduring power of folk art to document, question, and influence the social order (1).

Latī poetry's significance lies not only in its artistic qualities but also in its sociological function during a period marked by rapid modernization, authoritarian governance, and growing socioeconomic disparities. The Pahlavi era, while characterized by industrial growth and national reform, neglected the voices and realities of the urban poor and rural migrants, many of whom became subjects and audiences of Latī poetry. As urbanization expanded, so too did the poetic responses from those excluded from its promises. Through a stylized yet unpretentious vernacular, Latī poets gave voice to the grievances of the dispossessed, critiquing institutional corruption, class stratification, and the erosion of communal values. The incorporation of humor and satire enabled these critiques to circulate widely, often

camouflaging their radical undercurrents. Moreover, the genre's close relationship with music and oral performance—especially within public venues like teahouses—furthered its cultural penetration and communal function. While classical Persian poetry often elevated idealized visions of love, divinity, or metaphysics, Latī poetry remained grounded in the tangible: empty pockets, high prices, lost hopes, and broken dreams. In this way, it served as both a literary phenomenon and a sociopolitical commentary, reflecting the friction between modernity's expansion and its social exclusions (3).

Despite its cultural relevance, scholarly engagement with Latī poetry has remained sparse, with most academic attention in Persian literature focused on canonical works and elite genres. This lacuna has left a critical gap in understanding how non-elite literary forms functioned as vehicles of resistance and cultural negotiation. Past scholarship has explored the stylistic innovations within folk literature (4), its capacity to transmit popular values (5), and its dialectical relationship with official discourse (2), yet few have turned their attention toward Latī poetry's unique stylistic matrix and its embeddedness in working-class lifeworlds. Notable contributions, such as Samiei Gilani's exploration of colloquial poetics and Dehani's insights into satirical expression in Persian verse, offer relevant frameworks but stop short of directly addressing Latī's genre-specific dynamics (6, 7). Similarly, Yousofi's work on poetic identity

touches upon the role of vernacular language as a medium for cultural self-definition (8), while Mortazaei's cognitive stylistics study underscores the genre's potential for cultural reflection (9). These insights, though tangential, underscore the urgency of focused research on Latī poetry, particularly its function as a literary archive of subaltern perspectives during a critical historical epoch.

Through a qualitative methodological framework, this study undertook a multi-layered analysis of Latī poetry's literary and social dimensions. The content analysis focused on lexical choices, rhetorical devices, and structural features, such as rhyme and rhythm, in a representative sample of Latī poems composed between 1921 and 1979. Additionally, discourse analysis was applied to identify the sociopolitical themes embedded within these texts, paying particular attention to how poets framed issues like poverty, inequality, and moral disillusionment. Data were drawn from archival poems, street performances, and recollections documented in oral histories. The selection criteria prioritized texts that exemplified linguistic diversity and social commentary, with special attention to recurring motifs and colloquial stylizations. Among the findings, four primary literary characteristics emerged: the dominance of spoken Persian; extensive use of irony and satire; employment of rhythmic, musical phrasing; and integration of street idioms and cultural references. On the sociocultural side, Latī poetry was found to

function as an expressive outlet for collective suffering, a performative site of protest, and a conduit for cultural solidarity. These dimensions converge to demonstrate how Latī poetry transcended aesthetic boundaries to become a mode of everyday resistance and narrative reclamation in modern Iranian society (10).

Case analyses of prominent poets such as Ali-Akbar Saber Tehrani and Shater Abbas Sabouhi further illuminate Latī poetry's dual role as both cultural production and political expression. These poets, deeply embedded within the social fabric of Tehran's working-class districts, crafted verses that oscillated between comic relief and grave critique. Their poems, often performed in bustling public spaces, spoke to audiences in their own linguistic and experiential terms. Verses about inflation, housing shortages, or official neglect were interwoven with expressions of faith, nostalgia, and communal pride. In doing so, these poets nurtured a literary culture that was simultaneously resistant and restorative. The irony, repetition, and metaphor in their works fostered both critical distance and emotional resonance, enabling audiences to confront their realities without succumbing to despair. Importantly, these poems also serve as historical documents that preserve the linguistic textures and emotional climates of urban Iran during the Pahlavi era. They attest not only to the hardships of daily life but also to the enduring creativity and resilience of the people who endured them. By elevating the

vernacular to a vehicle of aesthetic and political force, Latī poets subverted the hierarchies of cultural value and extended the boundaries of Persian literary modernity.

In conclusion, this study asserts the literary and sociocultural significance of Latī poetry within the broader contours of Iranian modernity. The genre's reliance on colloquial speech, its rootedness in popular sentiment, and its thematic engagement with inequality and marginalization position it as a vital yet overlooked component of Iran's literary and historical archive. While its formal simplicity may have precluded its inclusion in classical literary canons, its rhetorical richness and social resonance warrant renewed scholarly attention. Latī poetry challenges dominant narratives not only by representing the voices of the disenfranchised but also by demonstrating how language itself can be a tool of empowerment. Future research should continue to explore this genre through interdisciplinary lenses, integrating insights from linguistics, history, and cultural studies to further illuminate its aesthetic innovations and sociopolitical functions. As Iran continues to grapple with questions of cultural identity, historical memory, and social justice, the lessons embedded in Latī poetry remain profoundly relevant. They remind us that literature, in its most democratic form, can emerge not from palaces or academies, but from the mouths of bakers, shopkeepers, and laborers—echoing the enduring truth that every voice, however humble, carries the

potential to inspire, to question, and to transform.

References

1. Ghahremani F, Sarvari Yaghoubi A, Moradi M. Stylistics of Contemporary Poetry Quatrains with Emphasis on Simplification. *Sabk-Shenasi-ye Nazm va Nasr-e Farsi (Behar-e Adab) (Stylistics of Persian Poetry and Prose (Spring of Literature))*. 2023;16(4):67-84.
2. Tale'i M, Raziyi M. A Study of the Intellectual and Literary Stylistics of Ohadi Maraghei's Poetry. *Pazhoohnameh-ye Ormazd*. 2018(41):59-80.
3. Farshbafian A, Taheri Khosroshahi MP, editors. An Examination of the Life, Poetic Style, and Introduction of Manuscript Copies of the Divan of Chalabi Tabrizi.
4. Moradi M, Sarvari Yaghoubi A, Ghahremani F. Stylistics of Contemporary Poetry Quatrains with Emphasis on Simplification. 2023.
5. Heydari A, Ghavam A, Radmard A. An Examination of Articles Related to Hafez's Poetry Stylistics in the 1990s. *Sabk-Shenasi-ye Nazm va Nasr-e Farsi (Behar-e Adab) (Stylistics of Persian Poetry and Prose (Spring of Literature))*. 2020;13(6 (Serial 52)):171-89.
6. Samiei Gilani A. Fundamentals of Poetry Stylistics. *Adab Pazhuhi (Literary Research)*. 2007;1(2):49-76.
7. Dehani M, Dehani M, editors. An Examination of the Manifestations of Iham (Ambiguity) in Hafez's Poetic Style in His Ghazals 2020: Tehran.
8. Yousefi A, Hakim Azar M. Examination and Analysis of the Literary and Intellectual Stylistics of Hossein Panahi's Poetry. *Sabk-Shenasi-ye Nazm va Nasr-e Farsi (Behar-e Adab) (Stylistics of Persian Poetry and Prose (Spring of Literature))*. 2019;12(2 (Serial 44)):99-118.
9. Mortazaei SA, Fatuhi Rudma'ajani M. Cognitive Stylistics and the Impossibility of Discovering Artistic Individuality: Postmodernists Also Write with Conventional Metaphors of Poetry. *Adabiyat-e Parsi-ye Mo'aser (Contemporary Persian Literature)*. 2020;10(2):355-75.
10. Zamani M, Safavi K. Critical Stylistics of Shams Kasma'i's Poetry. *Matn Pazhuhi Adabi (Zaban va Adab-e Parsi) (Literary Text Research (Persian Language and Literature))*. 2018;22(77):7-31.